

تحلیل ماده به ماده

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در مقایسه با قوانین سابق

نویسنده گرامر

امین نصیرزاده اهری

کارشناس ارشد

حقوق جزا و جرم‌شناسی

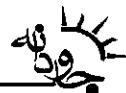
دکتر صادق سلیمی

عضو هیأت علمی دانشگاه

آزاد تهران مرکز

سرشناسه
عنوان قراردادی
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست‌نویسی : فیا
موضوع
شناسه افزودنی
رده‌بندی کنگره
رده‌بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی

سرشناسه : ۱۳۴۸-
عنوان قراردادی : ایران. قوانین و احکام
عنوان و نام پدیدآور : تحلیل ماده به ماده قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در مقایسه با قوانین سابق / نویسندگان: صادق سلیمی، امین بخشی‌زاده‌اهری
تهران: جاودانه، جنگل، ۱۳۹۳
۴۳۲ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۱۵۸-۳۳۱-۵
وضعیت فهرست‌نویسی : فیا
موضوع : آیین دادرسی جزایی - ایران - - تفسیر و استنباط
شناسه افزودنی : بخشی‌زاده، امین، ۱۳۶۷-
رده‌بندی کنگره : ۱۲۳/س۸/۱۶۵۰ KMH
رده‌بندی دیویی : ۳۴۸/۸۵۰۵
شماره کتابشناسی ملی : ۲۰۱۱/۲۲



عنوان کتاب: تحلیل ماده به ماده قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در مقایسه با قوانین سابق
نویسندگان: دکتر صادق سلیمی، امین بخشی‌زاده‌اهری
ناشر: انتشارات جاودانه، جنگل
ناظر فنی: امین لشکری
نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۳
قطع و تیراژ: وزیری، ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۱۶۵۰۰۰ ریال با جلد نفیس
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۵۸-۳۳۱-۵

<http://www.junglepub.org>
[email://info@junglepub.org](mailto:info@junglepub.org)

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۶۱۱۵-۹-۶۶۴۸۲۸۳۰
۰۳۱۹-۳۲۰۵۰۶۷-۳۲۰۳۸۰۰-۹

«حق چاپ برای ناشر محفوظ است»

فهرست مطالب

مقدمه

بخش اول: کلیات

فصل اول: تعریف آیین دادرسی کیفری و اصول حاکم بر آن.....	۳
فصل دوم: دعوی عمومی و دعوی خصوصی.....	۱۱

بخش دوم: کشف جرم و تحقیقات مقدماتی

فصل اول: دادرسی و جایگاه صلاحیت آن.....	۳۳
فصل دوم: ضابطان دادگستری و تعریف آنان.....	۳۹
فصل سوم: وظایف و اختیارات دادستان.....	۶۳
فصل چهارم: وظایف و اختیارات بازپرس.....	۸۵
مبحث اول - اختیارات بازپرس و شهود.....	۸۵
مبحث دوم - صلاحیت بازپرس.....	۱۰۲
فصل پنجم: معاینه محل، تحقیق محلی، بازرسی و جستجو.....	۱۰۹
فصل ششم: احضار و تحقیق از متهم، شهود و مطلعان.....	۱۲۹
مبحث اول - احضار، جلب و تحقیق از متهم.....	۱۲۹
مبحث دوم - احضار و تحقیق از شهود و مطلعان.....	۱۴۶
فصل هفتم: قرارهای تأمین و نظارت قضائی.....	۱۵۱
فصل هشتم: اقدامات بازپرس و دادستان پس از ختم تحقیقات.....	۱۸۳
فصل نهم: تحقیقات مقدماتی جرائم اطفال و نوجوانان.....	۱۹۷
فصل دهم: وظایف و اختیارات دادستان کل کشور.....	۲۰۱

بخش سوم: دادگاه‌های کیفری، رسیدگی و صدور رأی

فصل اول: تشکیلات و صلاحیت دادگاه‌های کیفری.....	۲۰۵
---	-----

فصل دوم: رسیدگی به ادله اثبات	۲۲۹
فصل سوم: رسیدگی در دادگاه‌های کیفری	۲۳۳
مبحث اول- کیفیت شروع به رسیدگی	۲۳۳
مبحث دوم- ترتیب رسیدگی	۲۴۸
مبحث سوم- صدور رأی	۲۵۶
فصل چهارم: رسیدگی در دادگاه کیفری یک	۲۶۳
مبحث اول- مقدمات رسیدگی	۲۶۳
مبحث دوم- ترتیب رسیدگی	۲۶۹
مبحث سوم- صدور رأی	۲۷۲
فصل پنجم: رأی نهایی و وااهی	۲۷۵
فصل ششم: رسیدگی در دادگاه اول و نوجوانان	۲۷۹
مبحث اول- تشکیلات	۲۸۰
مبحث دوم- ترتیب رسیدگی	۲۸۱
فصل هفتم: احاله	۲۸۵
فصل هشتم: رد دادرس	۲۸۹

بخش چهارم: اعتراض به رأی

فصل اول: کلیات	۲۹۷
فصل دوم: کیفیت رسیدگی دادگاه تجدیدنظر استان	۳۱۵
فصل سوم: کیفیت رسیدگی دیوان عالی کشور	۳۲۷
فصل چهارم: اعاده دادرسی	۳۳۷

بخش پنجم: اجرای احکام کیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی

فصل اول: کلیات	۳۵۳
فصل دوم: اجرای مجازات حبس	۳۶۵
فصل سوم: اجرای محکومیت‌های مالی	۳۷۱
فصل چهارم: اجرای سایر احکام کیفری	۳۷۷

فصل پنجم: اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه های الکترونیکی.....	۳۸۱
فصل ششم: هزینه دادرسی.....	۳۸۵
فصل هفتم: سایر مقررات.....	۳۸۹
جدول تطبیق مواد قانون جدید با قانون سابق.....	۳۹۱
جدول تطبیق قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ با قانون جدید.....	۴۰۳
جدول تطبیق قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی انقلاب مصوب ۱۳۸۱ با قانون جدید.....	۴۱۱
منابع و مأخذ.....	۴۱۳

www.ketab.ir

مقدمه

در سال ۱۳۹۲ دو قانون مهم و جامع جزایی یکی در امور ماهوی و دیگری در الامور شکلی پس از سال‌ها بررسی به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسید. قانون مجازات اسلامی (ق.م.ا.) مشتمل بر کلیت، حدود، قصاص و دیات در اوایل سال ۱۳۹۲ تصویب و انتشار یافت. قانون آیین دادرسی کیفری (ق.آ.د.ک.) در اواخر سال ۹۲ تصویب و موافقت شورای نگهبان قرار گرفت و در اردیبهشت سال ۱۳۹۳ در روزنامه رسمی منتشر شد. خصوصاً قانون مجازات اسلامی کتاب‌های متعددی در طول یک سال گذشته به رسمیت پذیرفته شد. لیکن اثر حاضر شاید اولین کتابی باشد که در توضیح و تفسیر مواد قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۳ و مقایسه آن با قوانین سابق به زیور طبع آراسته می‌شود. همچون ق.م.ا. این قانون نیز دو ایراد اساسی کلی دارد: اول اینکه آزمایشی است و دوم اینکه قانونگذار در طول این دهه گذشته همواره به جای تعمق و تأمل در قوانین موجود و یافتن ایرادات آن و صرفاً اصلاح یا تکمیل مواد مورد نیاز، کل قوانین سابق را به کنار نهاده و قانون جدیدی را بر اساس تأملات تدوین و تصویب می‌کند. این امر از یک سو موجب بروز ایراداتی جدید در مأمور اجرای قانونی که سابقه اجرا نداشته می‌شود و لازمی دیگر حقوقدانان، قضات، وکلا و تمامی دستگاه‌های کاران مدت‌ها جهت یافتن مواد مورد نظر خود سردرگم می‌شوند. در این کتاب به ویژه به تنظیم جداولی سعی شده است امکان تطبیق مواد قانون جدید با قوانین سابق با صرف حداقل زمان میسر شود.

با اینحال قانون جدید در مقایسه با قوانین قبلی دارای نقاط قوت متعددی است که پیش‌بینی این موارد درخور تحسین است. این قانون از انسجام و شفافیت بیشتری برخوردار است. مرجع تعقیب، تحقیق و رسیدگی به صورت روشن‌تری از هم متمایز شده‌اند و حدود وظایف و اختیارات آنها به‌طور جداگانه و مفصل در بخش‌های دو و سه تشریح شده است. ویژگی‌ها و نوآوری‌های ق.آ.د.ک. جدید را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد.

۱- توجه به اصول دادرسی عادلانه: در مواد اولیه ق.آ.د.ک. به ضرورت رعایت

مصادیق مهم اصول دادرسی عادلانه تصریح و تأکید شده است. ماده ۲ اصل قانونی بودن دادرسی را تبیین می‌کند. در ماده ۳ به بی‌طرفی و استقلال مراجع قضایی از یک سو و بدون تأخیر غیرموجه بودن آن از سوی دیگر تأکید شده است. علنی بودن دادگاه نیز به عنوان رکن دیگر دادرسی عادلانه در ماده ۳۵۲ مورد تصریح واقع شده است. اصل برائت و برخی آثار آن در ماده ۴ مورد تصریح واقع شده و در ماده ۷ به لزوم رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی تأکید شده است.

۲- ضابطه‌مندی، شفافیت و کاستن از زمینه‌های سواستفاده: ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ نیز

همچون ق.آ.د.ک. ۱۳۸۲ موارد مختلف سعی نموده با بیان موارد و ضوابط روشن، از ابهامات و سوءاستفاده‌ها بکاهد. افزایش دو برابری انواع قرارهای تأمین در ماده ۲۱۷ و تبیین نحوه صدور تأمین به تفصیل آن در مواد بعدی و لغو بازداشت موقت الزامی امکان سوء استفاده را کاهش می‌دهد. ماده ۴۶۶ در صدد ممنوعیت و حداقل ضابطه‌مند نمودن رسیدگی خارج از نوبت است. در مواد ۲۸ و ۲۹ ضابطان دادگستری به دقت تعریف شده‌اند و در ماده ۳۰ مقرر شده است که اجرای عنوان ضابط دادگستری، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضائی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است. تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت و سوءاستفاده از آن بدون اعتبار است. همچنین در قانون جدید از واژه‌های صحیح‌تری نسبت به قوانین سابق استفاده شده از قبیل تعقیب «متهم» به جای «مجرم» در ماده ۱، «قرار جلب به دادرسی» به جای «قرار «مجرمیت» در ماده ۲۶۵ و نظایر آن. برخی موارد نیز همچون زیان معنوی برای اولین بار در این قانون (تبصره ۱ ماده ۱۴) تبیین و تعریف شده است.

۳- نقش پررنگ‌تر وکلای دادگستری: حضور وکیل دادگستری به عنوان شخصی

متخصص در امور حقوقی و کیفری می‌تواند ضامن احقاق حقوق طرفین و اجرای صحیح قوانین باشد. در قانون جدید مطابق ماده ۵ متهم باید از حق دسترسی به وکیل بهره‌مند شود و ماده ۴۸ مقرر می‌دارد که با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت

نظر ملاقات نماید و وکیل می‌تواند در پایانه ملاقات با متهم ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد. حضور وکیل نزد بازپرس پررنگ‌تر و ضابطه‌مندتر از گذشته است. ماده ۱۹۰ تصریح دارد که متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود این حق در برگه احضاریه قید و به او ابلاغ می‌شود وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بدانند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت محسوس نوشته می‌شود. تبصره ۱ این ماده ضمانت اجرایی مؤثری را برای مفاد این ماده پیش‌بینی می‌کند: «در صورتی که متهم یا وکیل با عدم تفهیم این حق به متهم موجب بی‌اعتباری تحقیقات می‌شود» به علاوه مطابق تبصره ۲ در جرائمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید، بازپرس برای وی وکیل تعیین می‌کند. بنابراین حتی در تحقیقات مقدماتی نیز در مواردی حضور وکیل الزامی شده است. از سوی دیگر، مطابق ماده ۳۸ ضابطان دادگستری شاکی را باید از حق بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای و معاضدت حقوقی آگاه کنند. توجیه به حقوق بزه‌دیده و سعی در جبران آن از نکات مثبت این قانون است. به موجب تبصره ۲ ماده ۱۳ و ماده ۳۴۸ با لحاظ ماده ۳۰۲ موارد الزامی حضور وکیل در رسیدگی دادگاه علاوه بر حبس ابد و مجازات سالب حیات، به جرائم تعزیری درجه یک الی چهار و نیز به موردی که شخص قبل از صدور حکم قطعی دچار جنون شود، گسترش یافته است. تعداد وکلا در تحقیقات مقدماتی همچون گذشته یک نفر است. در دادگاه کیفری یک همچون گذشته نامحدود ولی در سایر موارد به دو نفر محدود شده است. نهایتاً قسمتی از ماده ۳۵۴ مقرر شده است «... اگر اخلال‌کننده از وکلای اصحاب دعوی باشد، دادگاه به وی در خصوص رعایت نظم دادگاه تذکر می‌دهد و در صورت عدم تأثیر، وی را حراج و به دادسرای انتظامی وکلا معرفی می‌کند.» این مقرر به تبصره ۲ ماده ۱۸۸ ق.آ.د.ک. ۱۳۷۸ و ماده ۱۰۱ ق.آ.د.م. ۱۳۷۹ که اجازه بازداشت وکلا را می‌داد پیشرفت قابل توجهی در جهت رعایت حق دفاع و استقلال حرفه وکالت و وکیل تلقی می‌شود. در ماده ۴۷۱ نیز وکلای دادگستری مجاز شده‌اند همچون قضات از طریق رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان

کل کشور نظر هیأت عمومی دیوان عالی کشور را برای صدور رأی وحدت رویه درخواست کند.

۳- افزایش میزان استقلال مقام تحقیق (بازپرس) از دادستان: در قانون جدید استقلال مقام تحقیق (بازپرس) تا حد قابل توجهی مدنظر تدوین کنندگان قانون قرار گرفته است. یکی از مهمترین موارد، عدم امکان اخذ پرونده از بازپرس پس از ارجاع است. اگرچه در ماده ۲۶۲ قانون سابق نیز در خصوص شعب دیوان عالی کشور و سایر دادگاهها تصریح شده بود که پس از ارجاع پرونده به شعبه‌ای نمی‌توان پرونده را گرفت و به شعبه دیگر ارجاع نمود، ولی در خصوص ارجاع به شعب بازپرسی - به خاطر نبود دادسرا در زمان تدوین آن قانون - اشاره‌ای نشده بود و در قانون تشکیل و اصلاحات بعدی آن نیز در این خصوص مطلب ذکر نشده بود و لذا باب تفاسیر مختلف و سوءاستفاده از سکوت قانون بازپرسی در مواردی می‌شد در مواردی دادستان خود را صجاز به گرفتن پرونده از یک شعبه بازپرسی و ارجاع آن به شعبه دیگر بداند. ماده ۳۳۹ این قاعده را بیان نموده که پس از ارجاع پرونده نمی‌توان آن را از شعبه مرجوع‌الیه، اخذ و به شعبه دیگر داد، تبصره ۱ آن را شامل بازپرسی نیز دانسته و تبصره ۲ ضمانت اجرای آن را بیان کرده است. در موارد دیگری نیز به حفظ استقلال بازپرس از دادستان توجه شده که در توضیحات ذیل مواد تشریح شده‌اند.

۴- تکلیف میانجیگری و سازش: در ق.آ.د.ک ۱۳۹۱، چون ق.م.ا. ۱۳۹۴ به جبران ضرر و زیان وارده به بزه‌دیده توجه خاصی شده است و در این راستا، با پیش‌بینی امتیازاتی متهم ترغیب به جبران خسارات وارده به بزه‌دیده یا جلب رضایت وی شده است. در ماده ۸۲ ق.آ.د.ک. در جرایم تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸ با رعایت شرایط مذکور به درخواست متهم و موافقت بزه‌دیده مقام قضایی می‌تواند به متهم حداکثر ۲ ماه مهلت دهد که گذشت شاکی را به دست آورده یا خسارات ناشی از جرم را جبران کند. همچنین می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با موافقت طرفین به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه دیگری برای میانجیگری ارجاع دهد. در صورت گذشت شاکی (بزه‌دیده) اگر موضوع از جرایم قابل گذشت باشد تعقیب موقوف می‌شود. اگر جرم غیرقابل گذشت باشد با گذشت بزه‌دیده یا جبران خسارات وارد شده به او در صورتی که متهم فاقد سابقه

محکومیت مؤثر کیفری باشد مقام قضایی می‌تواند با موافقت متهم تعقیب وی را از ۶ ماه تا ۲ سال معلق نموده و وی را مکلف به انجام برخی دستورات بکند. مطابق ماده ۸۳ نتیجه مکثرب میانجیگری جهت بررسی و تأیید و اقدامات بعدی نزد مقام قضایی مربوط ارسال می‌شود. در صورت حصول توافق، تعهدات طرفین و چگونگی انجام آن باید درج شود.

۵- به رسمیت شناختن حق اعلام جرم و پیگیری سازمان‌های مردم نهاد: سازمان‌های غیردولتی می‌توانند نقش قابل توجهی در پیگیری مطالبات مردمی داشته باشند. تاکنون قوانین مجاز دادخانه مستقیم به این سازمان‌ها نمی‌دند. ماده ۶۶ در بین ارتباط مقرر می‌دارد: «سازمان‌های مردم نهادی که اساسنامه آنها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بی‌سر و آبران جسمی یا ذهنی، محیط‌زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی، حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند. در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آراء مراجع قضائی اعتراض نمایند».

۶- دادرسی الکترونیکی: استفاده از فناوری روز می‌تواند موجب تسریع در رسیدگی، صرفه‌جویی در منابع مالی و منابع انسانی شود. لیکن این امر باید منطقی و ضابطه‌مند صورت گیرد و به خاطر ضعف سامانه یا مقررات حاکم بر آن تضییع حقوق افراد یا صرف هزینه‌های بیشتری را به مردم در بر نداشته باشد. ماده ۱۷۴ مقرر می‌دارد: «استفاده از سامانه‌های (سیستم‌های) رایانه‌ای و مخابراتی، از قبیل پیام‌رسان (ایمیل)، ارتباط تصویری از راه دور، نمابر و تلفن، برای طرح شکایت یا دعوی، ارجاع پرونده، تضار متهم، ابلاغ اوراق قضائی و همچنین نیابت قضائی با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی بلامانع است.» در ماده ۴۶۵ نیز به دادرسی الکترونیک اشاره شده است. «در ارتباط این دادرسی تبیین نگردیده است؛ بلکه تبصره ماده ۱۷۵ مقرر می‌دارد «شرایط و چگونگی استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی موضوع این ماده بر اساس آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.» در شرایط موجود که در موارد زیادی ثبت دادخواست‌ها و شکایات از طریق سامانه‌های خدمات قضائی الزامی شده، عصاره موجبات هزینه مضاعف و حتی اطاله مراحل ثبت فراهم گردیده است. حتی به وکلا امکان ثبت از

طریق دفاترشان داده نشده و وکلا باید در صف طولانی دفاتر خدمات قضایی وقت و هزینه بیشتری را صرف کنند. به علاوه، در مواردی که سامانه ایراد دارد یا شلوغ است موعد قانونی منقضی شده و حقوق افراد تضییع می‌شود. به هر حال اولاً باید این نوع محدودیت‌ها و راهکارهای مناسب آن به موجب قانون معین شود و ثانیاً این تمهیدات برای رفاه حال بیشتر مردم و مراجعین باشد نه افزودن هزینه و زمان رسیدگی.

۷- ایجاد الزامات عملی برای مستدل شدن رسیدگی دادگاه‌ها و دیوان عالی کشور:
 الزام به مستدل بودن آرای دادگاه‌ها، علاوه بر قانون اساسی در قوانین عادی نیز پیش‌بینی شده است. ولی همواره یکی از معضلات نظام قضایی مستدل نبودن آراست. در یک رأی مستدل باید تمام ایرادات و استدلالات طرفین و وکلای آنان به صورت مستدل و قانع کننده پاسخ داده شود. استفاده از عبارات کلی مانند «مدافعات بلاوجه» «اظهارات بی‌اساس» و نظایر آن استدلال قوی نمی‌شود. در ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ سعی شده است خصوصاً دادگاه‌های عالی عمل به صورت آرای مستدل ترغیب شوند. در این ارتباط ماده ۳۹۵ ضرورت درج نظر مستدل اقلیت را پیش‌بینی کرده است. به علاوه مطابق قسمتی از ماده ۴۶۹ «... دادستان کل یا نماینده وی به حضور در شعبه به‌طور مستدل، مستند و مکتوب نسبت به نقض یا ابرام رأی معترض‌عنه، تهرجا مخواست، نظر خود را اعلام می‌کند. سپس اعضای شعبه با توجه به محتویات پرونده و مفاد گزارش و مطالب اظهار شده، با درج نظر دادستان کل کشور یا نماینده وی در متن دادنامه، شرح مختصر اتخاذ تصمیم می‌کنند...» این مطالب همه تلاشی در جهت مستدل شدن آرای محاکم قضایی است. با این حال، الزام به پاسخ مستدل به تمامی استدلال‌ها و مدافعات طرفین و وکلای آنها، دورتی اجتناب‌ناپذیر است که تاکنون در قوانین و رویه قضایی ما الزامی و عملی نشده است.

۸- تغییر ساختار مراجع قضایی و جواز ضمنی رسیدگی ماهوی دیوان عالی کشور:
 دادگاه‌های کیفری دو و یک به ترتیب جایگزین دادگاه‌های عمومی جزایی و دادگاه‌های کیفری استان شده‌اند. دادگاه انقلاب در جرایم مهم با حضور سرقاضی تشکیل می‌شود که تعدد قاضی در دادگاه انقلاب اجرای عدالت را بیشتر تضمین می‌کند. تعداد جرایمی که قابل فرجام در دیوان عالی کشور هستند مطابق ماده ۴۲۸ به‌طور چشمگیری افزایش یافته و در صورت عدم افزایش تعداد شعب دیوان عالی کشور، رسیدگی در این دیوان با بحران

مواجه خواهد شد. برخلاف ماده ۲۶۴ سابق و سایر قوانین قبلی، ماده ۴۶۸ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ به شکلی بودن رسیدگی دیوان تصریح ندارد و بلکه مطابق بند ب ماده ۴۶۹ اگر رأی مورد فرجام «بدون توجه به ادله و مدافعات طرفین صادر شده باشد» نقض می‌شود. بنابراین، دیوان عالی در رسیدگی‌های خود وارد ماهیت ادله و مدافعات طرفین می‌شود و رسیدگی ماهوی نیز می‌کند.

۹- تفکیک انواع زندان‌ها و زندانی‌ها و محکومان و متهمان از یکدیگر: در جهت اصل خطای بودن مجازات‌ها و کاهش آثار و عواقب سوء زندان که همواره مورد انتقاد بود، در بصره‌های ماده ۵۱۳ تفکیک و طبقه‌بندی انواع زندان‌ها و زندانی‌ها پیش‌بینی شده است. تبصره ۱۱ مقرر می‌دارد که زندان‌ها به زندان بسته، نیمه‌باز، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و مراکز سلامت تأسیس و تربیتی از جمله قانون اصلاح و تربیت برای اطفال و نوجوانان تقسیم می‌شود. سپس تبصره ۲ در خصوص طبقه‌بندی زندانیان به شرح ذیل تعیین تکلیف می‌کند: «به جرم‌هایی که در قانون یا در حکم دادگاه تصریح شده است، محکومان با توجه به نوع و مدت محکومیت، پیشینه و شخصیتشان، بر اساس تصمیم شورای طبقه‌بندی و تأیید قاضی اجرای احکام در یکی از سطوح‌های فوق نگهداری می‌شوند.» اگر این تبصره‌ها به درستی اجرا شوند، پیشرفت قابل توجهی در این خصوص حاصل می‌شود.

بیان نقاط قوت فوق به منزله عاری از ایراد بودن این قانون نیست. برای نمونه ماده ۳۸۰ ضرورت ابلاغ دادنامه به طرفین «یا» وکلای آنان را مقرر نموده و با این اختیار ابهام حاصل می‌شود که ممکن است منجر به سوء استفاده شود. به علاوه در تبصره ۲ این ماده به ناروا ابلاغ محدودیت یافته و فقط استنساخ مجاز شناخته شده و حتی ممکن است تشخیص آن هم مشخص نشده است.

کتاب حاضر به منظور دسترسی سریع دست‌اندرکاران امور حقوقی و تشریفات دانشجویان حقوق با قانون جدید و نوآوری‌های آن تدوین یافته است. پس از بیان هر یک از مواد قانونی معادل یا مشابه آن در قوانین سابق بیان شده و تفاوت‌های احتمالی آنها تحلیل گردیده و در صورتی که در گذشته چنین مقرره‌ای فاقد سابقه بوده باشد به نو و بدیع بودن آن اشاره شده است. در پایان کتاب نیز ۲ جدول جداگانه جهت تطبیق قانون جدید با

قانون جدید و دو قانون اخیرالذکر دارد. شاید خوانندگان محترم این کتاب، مجال آنچنانی برای تطبیق و کشف تغییرات به وجود آمده نداشته باشند که اینجانب به اتفاق جناب آقای دکتر صادق سلیمی عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی و وکیل پایه یک دادگستری که هم از جنبه‌ی تئوری و هم از لحاظ عملی تسلط لازم و کافی روی نظام کیفری ایران دارند، تغییرات به وجود آمده و همچنین تأسیسات نوین در قانون جدید را اسباج نموده و به شرح تطبیقی و مختصر قانون یاد شده با قوانین منسوخ پرداخته‌ایم.

علاوه بر شرح این تغییرات، در ابتدای کتاب، جناب دکتر سلیمی مقدمه‌ای به عنوان فتح الباب روی این اثر نوشته‌اند تا با مطالعه‌ی آن، زمینه‌ی شناخت اجمالی از قانون جدید برای مخاطبان گرامی این کتاب فراهم شود. در انتهای کتاب نیز دو جدول تعبیه شده که جایگزینی مواد قانون جدید نسبت به قانون سابق و بالعکس مشخص و مورد بهره‌برداری قضاوت، وکلا و سایر نمایندگان محترم حقوقی قرار گیرد.

در پایان، از اساتید محترم و ائمه‌العلم علی‌الخصوص جناب آقای دکتر صادق سلیمی که افتخار همکاری داده و در کنار آن آثار علمی بر نوشته‌های اینجانب فرمودند، تقدیر و تشکر نموده و آرزوی توفیقات روزافزون برای ایشان را از درگاه ایزد منان دارم. بر خود فرض می‌دانم که از تشویقات و پیگیری‌های ستاتید محترم آقایان دکتر حسن فرهودی‌نیا، دکتر دادیار هادی، خیراله تیموری، یحیی میرزا محمدی و جناب سرهنگ حسن دلیر اکبری که همواره موجب ایجاد انگیزه برای انجام فعالیت علمی من شده بوده‌اند کمال امتنان را داشته باشم.

همچنین از والدین عزیزم که پشتیبان و حامی من بوده و بر این پد مقام گرامی جناب آقای کریم رسول‌زاده سپاسگزاری می‌نمایم.

امین بخش‌براده اهری

تهران - بهار ۱۳۹۳